

## تأثیر آموزش تدریس خلاق بر باورهای انگیزشی و جهت گیری تحصیلی دانش آموزان پایه ششم

دکتر مهدی محمودی<sup>۱</sup>، حسنا رستگاری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دکتری تخصصی برنامه ریزی آموزش از راه دور

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه پیام نور

### چکیده

مدارس امروز به دلیل پیشرفت های مختلف علوم و تغییرات همزمان در هدف های آموزشی سعی خود را بیشتر به انتقال اطلاعات و حقایق علمی معطوف کرده اند، در حالی که با ورود به دوران فراصنعتی و عصر اطلاعات به دلیل ویژگی هایی مانند انفجار دانش، تحول و تغییر سریع یافته های علمی، حضور ماشین های هوشمند در عرصه تعلیم و تربیت و از همه مهم تر عدم قطعیت معرفت علمی، نه امکان انتقال همه یافته های علمی وجود دارد و نه ضرورتی در این زمینه احساس می شود. بنابراین هدف از این پژوهش، تعیین تأثیر آموزش تدریس خلاق بر باورهای انگیزشی و جهت گیری تحصیلی دانش آموزان پایه ششم شهر سرپل ذهاب بود. طرح پژوهش، نیمه آزمایشی از نوع پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل است. در این پژوهش جامعه آماری کلیه دانش آموزان پایه ششم شهر سرپل ذهاب در سال ۱۳۹۷ می باشند. نمونه مورد نظر با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای ۴۰ نفر در دو گروه آزمایشی و گواه (۲۰ نفر گروه آزمایش و ۲۰ نفر گروه گواه) قرار گرفت. ابزار های پژوهشی مورد استفاده باورهای انگیزشی بود و جهت سنجیدن آموزش تدریس خلاق از پروتکل آموزشی هفت جلسه ای استفاده شد. برای تحلیل داده ها از تحلیل کواریانس چند متغیره و یک متغیره استفاده شد. یافته ها نشان داد آموزش تدریس خلاق بر باورهای انگیزشی و جهت گیری تحصیلی دانش آموزان تأثیر مثبت داشت.

واژه های کلیدی: آموزش تدریس خلاق - باورهای انگیزشی - جهت گیری تحصیلی - دانش آموزان

## مقدمه

جهت گیری تحصیلی به توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشگاهی اطلاق می شود که به وسیله آزمون های فراگیری استاندارد شده یا آزمون های معلم ساخته اندازه گیری می شود. به طور کلی این اصطلاح به معنای مقدار یادگیری آموزشگاهی فرد است، به طوری که بتوان آنها را در مقوله کلی عوامل مربوط به تفاوت های فردی و عوامل مربوط به مدرسه و نظام آموزش و پرورش مورد مطالعه قرار داد. جهت گیری تحصیلی، پدیده پیچیده ای است که شناخت همه جانبه آن در یک پژوهش واحد ممکن نیست. پژوهشها و بررسیهای بسیاری در این باره صورت گرفته است و هر یک برخی از عوامل و متغیرهای موثر بر آن را مورد ارزیابی قرار داده اند. از جمله رابطه جهت گیری تحصیلی با متغیرهای هوش، کیفیت آموزشی در آموزشگاه، خانواده و محیط آن، سطح سواد و وضعیت فرهنگی، شغل والدین، اقتصاد خانواده، خودپنداری و خودشناسی، عوامل انگیزشی و شناختی ویژگیهای فردی و عوامل بسیار دیگر. گرچه به پیشرفت تحصیلی اغلب به عنوان یک رفتار شناختی توجه می شود، اما طبق نظریه پیازه، رفتار کاملاً شناختی یا کاملاً عاطفی وجود ندارد. پیازه علاوه بر آن بیان می کند که تمامی رفتارها شامل هم ابعاد شناختی و هم عاطفی می باشند (کوئزی،<sup>۱</sup> ۲۰۱۱).

انگیزه از اساسی ترین عوامل موثر در یادگیری است. انگیزه عبارت است از میل و رغبتی که فرد برای رسیدن به هدفی از خود نشان می دهد هر قدر این انگیزه با میل و رغبت بیشتری همراه باشد فرد تلاش بیشتری از خود نشان می دهد. باورهای انگیزشی یکی از انگیزه های اجتماعی است یعنی انگیزه هایی که هیچ نیاز زیستی را بر طرف نمی کند بلکه در اثر یادگیری به وجود می آید. از این جهت که پیشرفت می تواند انسان را هم از نظر کسب مال و تأمین زندگی تضمین کند و هم مقام و منزلت او را بالا ببرد یکی از انگیزه های نیرومند به حساب می آید وجود ضرب المثل هایی مثل (نابرده رنج گنج میسر نمی شود) (تا کار نکنی آش نخوری) نشانه ی اهمیتی است که مردم برای تلاش و پیشرفت قایل می شوند. در اجتماع امروزی باورهای انگیزشی احتمالاً بیش از هر زمان دیگری به چشم می خورد جوان هایی را می بینیم که از نقاط دور دست کشور به شهرهای دانشگاهی هجوم می آورند و با شور و شوق بسیار زیاد به تحصیل مشغول می شوند (محمدی زاده، ۱۳۸۷).

تحقیقات نشان می دهد که هر اندازه باورهای انگیزشی بیشتر باشد موفقیت نیز به همان اندازه بیشتر خواهد شد. علت به وجود آمدن باورهای انگیزشی این است که جامعه به آن ارج می نهد در خانواده نیز برای فرزندان که به دنبال پیشرفت می روند ارزش بیشتری قائلند. مطالعات و بررسی های انجام شده پیرامون علت افت تحصیلی و عدم گرایش به تحصیل در مقاطع مختلف، بیانگر این است که در غالب موارد فقر انگیزشی بیشترین نقش را دارد به عبارت دیگر در بسیاری از موارد، بچه ها به رغم اینکه از بهره ی هوشی قابل توجهی برخوردارند، صرفاً به دلیل شرایط عاطفی نامساعد و فقر انگیزشی، دچار بی اشتیایی تحصیل شده از پیشرفت تحصیلی مطلوب باز می مانند (محمد پور، ۱۳۸۷).

مدارس امروز به دلیل پیشرفت های مختلف علوم و تغییرات هم زمان در هدف های آموزشی سعی خود را بیشتر به انتقال اطلاعات و حقایق علمی معطوف کرده اند، در حالی که با ورود به دوران فراصنعتی و عصر اطلاعات به دلیل ویژگی هایی مانند انفجار دانش، تحول و تغییر سریع یافته های علمی، حضور ماشین های هوشمند در عرصه تعلیم و تربیت و از همه مهم تر عدم قطعیت معرفت علمی، نه امکان انتقال همه یافته های علمی وجود دارد و نه ضرورتی در این زمینه احساس می شود. به همین دلیل، متخصصان تعلیم و تربیت و برنامه ریزان درسی به جای انتقال حقایق علمی، پرورش و تقویت روش ها و نگرش های علمی را توصیه می کنند و به جای تولید مجدد حقایق علمی، بر فرایند تأکید می کنند. آن ها معتقدند که دانش آموزان به جای کسب حقایق علمی،

<sup>۱</sup> Coetzee

باید به روش کسب حقایق علمی توجه کنند و به جای انباشت حقایق علمی در ذهن، بیاموزند که چگونه به تنهایی فکر کنند، تصمیم بگیرند، و درباره امور مختلف قضاوت کنند. دانش آموزان در فرایند آموزش باید بتوانند ادراک حسی، فهم نظریات مختلف و تفکر علمی و نقاد خود را تقویت کنند و رشد دهند. رسیدن به چنین اهدافی مستلزم فرصت های مطلوب یادگیری است. چنین فرصت و موقعیتی با دستور دادن، موعظه کردن، القا و ترغیب به تقلید و اطاعت از دیگری به وجود نخواهد آمد، زیرا محدود ساختن تعلیم و تربیت به انتقال و حفظ حقایق علمی، رشد طبیعی دانش آموزان را محدود خواهد ساخت (کدیور، ۱۳۹۰).

مدارس امروز به دلیل پیشرفت های مختلف علوم و تغییرات هم زمان در هدف های آموزشی سعی خود را بیشتر به انتقال اطلاعات و حقایق علمی معطوف کرده اند؛ در حالی که با ورود به دوران فراصنعتی و عصر اطلاعات به دلیل ویژگی هایی مانند انفجار دانش، تحول و تغییر سریع یافته های علمی، حضور ماشین های هوشمند در عرصه تعلیم و تربیت و از همه مهم تر عدم قطعیت معرفت علمی، نه امکان انتقال همه یافته های علمی وجود دارد و نه ضرورتی در این زمینه احساس می شود. به همین دلیل، متخصصان تعلیم و تربیت و برنامه ریزان درسی به جای انتقال حقایق علمی، پرورش و تقویت روش ها و نگرش های علمی را توصیه می کنند و به جای تولید مجدد حقایق علمی، بر فرایند تأکید می کنند. آن ها معتقدند که دانش آموزان به جای کسب حقایق علمی، باید به روش کسب حقایق علمی توجه کنند و به جای انباشت حقایق علمی در ذهن، بیاموزند که چگونه به تنهایی فکر کنند، تصمیم بگیرند، و درباره امور مختلف قضاوت کنند. دانش آموزان در فرایند آموزش باید بتوانند ادراک حسی، فهم نظریات مختلف و تفکر علمی و نقاد خود را تقویت کنند و رشد دهند. رسیدن به چنین اهدافی مستلزم فرصت های مطلوب یادگیری است. چنین فرصت و موقعیتی با دستور دادن، موعظه کردن، القا و ترغیب به تقلید و اطاعت از دیگری به وجود نخواهد آمد؛ زیرا محدود ساختن تعلیم و تربیت به انتقال و حفظ حقایق علمی، رشد طبیعی دانش آموزان را محدود خواهد ساخت (پورشافعی، ۱۳۸۹).

در این مورد آکوینو و سروا<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) بیان می کنند که تعهدات دانش آموزان در قبال هم تایان خود آنها را برای انجام کار بیشتر بر می انگیزاند و این امر به نوبه خود به شکل گیری تفکر خلاق و جهت گیری تحصیلی ایشان کمک می کند. خلاقیت به عنوان یک استعداد، حاصل تعامل پیچیده وراثت و محیط است بنابراین، خلاقیت موضوع بسیار پیچیده ای است و شناخت و شکوفا سازی آن به عنوان یک استعداد نیازمند فراهم آوردن روش های تربیتی نوین است و اهمیت این موضوع در جامعه صنعتی امروز به ویژه در دنیای رایانه ها ملموس تر می شود. همچنین نقش مدرسه و مربیان در جهت پرورش افکار خلاق و رشد توانایی های این گونه افراد از اهمیت بسزایی برخوردار است (قاسم زاده، ۱۳۹۲).

روان شناسان و متخصصان آموزش و پرورش به این نکته توجه دارند که موضوع خلاقیت، موضوعی پر اهمیت و زیربنایی است. سقراط هدف اصلی تعلیم و تربیت را پرورش نیروی تفکر در انسان ذکر کرده است. تمام خلاقیت ها و نوآوری های امروز متأثر از آموزش و پرورش و نیروی پنهان آن است. آنچه امروز دیده می شود حاصل کار دست اندرکاران دیروز است و تولید فردا نتیجه خلاقیت امروز خواهد بود. در جوامع امروزی داشتن افرادی خلاق و نوآور امری حیاتی است. زندگی پیچیده ی امروزی ما هر لحظه در حال نو شدن است و خلاقیت و نوآوری، ضرورت استمرار زندگی فعال است. برای خلق نشاط و پویایی نیازمند ابتکار است، خلاقیت، فعالیت فکری و در عین حال مبتنی بر اطلاعات است. اگر تفکر را عامل یا جریان اصلی خلاقیت بدانیم، اطلاعات نیز ماده اولیه یا اساسی آن محسوب می شود. نکته حائز اهمیت آن است که اندیشه های حاصل از خلاقیت (پردازش متفکرانه) باید به گونه ای پرورش یابد که در ارتباط با شرایط دنیای واقعی به نوآوری در

<sup>۲</sup> Amino & Srva

آموزش و پرورش بیانجامد. تا قرن اخیر، بسیاری بر این باور بودند که ابداع و خلاقیت یک خصوصیت ذاتی است و برخی افراد با این توانایی متولد می شوند. امروزه ثابت شده است که این استعداد در نوع بشر به اندازه ی حافظه عمومیت دارد و می توان آن را با کاربرد اصول و فنون معین و ایجاد طرز تفکرهای جدید و ایجاد محیطی مناسب پرورش داد. این رسالت بزرگ را مدارس بر عهده دارند و در مدارس، این وظیفه را معلمین با روشهای تدریس مناسب، برخورد شایسته، همچنین بکارگیری به موقع سایر عوامل می توانند تحقق بخشند. یکی از اهدافی که آموزش و پرورش باید به آن بپردازد، پرورش توانایی تفکر در یادگیرندگان (دانش آموزان) است (شریفی و داوری، ۱۳۸۸).

نظام آموزشی ما برای پرورش خلاقیت کودکان و نوجوانان نیازمند تحول اساسی است و معلمان از عناصر کلیدی این نظام هستند. به همین دلیل برنامه ای برای آموزش خلاقیت معلمان تدوین گردید تا شناخت، نگرش و مهارتهای لازم را برای پرورش خلاقیت دانش آموزان کسب کنند. برنامه آموزش خلاقیت را که مجری تحقیق براساس تئوری های علمی طراحی کرده، در پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است و تأثیر مثبت آن بر دانش، نگرش و مهارت معلمان تایید شده است (حسینی، ۱۳۹۲).

علاوه بر این، دانش آموزان و همتایان آنها به طور معمول با شرایط و دروس یکسان درگیر هستند. چاو و چان<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) بیان می کنند که دانش آموزان و همتایان آنها اهداف را در بین خود سهیم می کنند. به این ترتیب آنها می توانند درک متقابل بهتری از هم داشته باشند و دانش و تجرب خود را با همدیگر به اشتراک بگذارند، نتیجه آن می شود که حمایت عاطفی این دانش آموزان از هم بالا رفته و این امر ممکن است موجب انگیزش درونی دانش آموزان برای خلاقیت بیشتر گردد. این در حالی است که صاحب نظران، خلاقیت را دانشی بنیادی برای هرگونه تغییر و نوآوری می دانند. به تعبیر ریهامر و برولین<sup>۴</sup> (۱۹۹۹)، خلق دیدگاه های نو و تولیدهای ابتکاری، از ویژگی های شناختی انسان ها است. با چنین نگاهی خلاقیت عاملی مهم در شتاب بخشیدن به نوآوری های علمی و فناورانه بشر تعبیر شده است. بررسی ها نیز نشان می دهند که مرکز ثقل حرکت های نوین در آینده، خلاقیت و میزان بهره گیری از ذهن ها و شخصیت های خلاق در حوزه های مختلف علمی، پژوهشی، فناورانه و بهداشتی است (صمدآقایی، ۱۳۹۰). لذا، شناسایی عوامل تاثیرگذار بر خلاقیت از اهمیتی دو چندان برخوردار است. در این راستا، عملکرد دانش آموزان می تواند نقشی تعیین کننده ایفا نماید. بنابراین در این پژوهش سعی شده است که به بررسی تاثیر آموزش تدریس خلاق بر باورهای انگیزشی و جهت گیری تحصیلی دانش آموزان پایه ششم شهر سرپل ذهاب پرداخته و بررسی شود آموزش روش خلاقیت چه تاثیری بر باورهای انگیزشی و جهت گیری تحصیلی دانش آموزان می گذارد؟

## روش

روش پژوهش حاضر از نظر روش نیمه آزمایشی می باشد و از نظر نوع هم از روش کتابخانه ای و هم روش میدانی استفاده شد. در این پژوهش جامعه آماری کلیه دانش آموزان پایه ششم شهر سرپل ذهاب در سال ۱۳۹۷ می باشند. نمونه مورد نظر با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای ۴۰ نفر در دو گروه آزمایشی و گواه (۲۰ نفر گروه آزمایش و ۲۰ نفر گروه گواه) قرار گرفت. برای این کار ابتدا از بین کلیه دانش آموزان پایه ششم شهر سرپل ذهاب، بصورت گزینشی تعدادی انتخاب و سپس طی مراحل اولیه که واجد شرایط در کلاس های آموزشی را داشتند این نمونه ها انتخاب گردیدند.

<sup>۳</sup> Cho & Chan

<sup>۴</sup> Ryhamr & Brolin

## ابزار های پژوهش:

(۱) پرسشنامه باورهای انگیزشی هرمنس<sup>۵</sup>: این پرسشنامه ۲۹ سوال چهار گزینه ای دارد. بعضی از سوالات به صورت مثبت و بعضی به صورت منفی ارائه شده اند. در سوالهای شماره ۱، ۴، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۰، ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۲۹، به الف ۱ نمره، به ب ۲ نمره، به ج ۳ نمره، به دال ۴ نمره داده می شود و در مابقی سوالها نمره دهی به صورت عکس می باشد. دامنه تغییرات نمرات از ۲۹ تا ۱۱۶ می باشد. هرمنس برای برآورد روایی آزمون، روش روایی محتوا را به کار گرفت که بنیان آن بر پژوهش های پیشین درباره انگیزش پیشرفت بود. او همچنین ضریب همبستگی دو تا از پرسشها را با رفتارهای پیشرفت گرا برآورد کرد که نشان دهنده روایی بالای آزمون ( $r = 0/88$ ) بود. برای برآورد پایایی نیز دو روش آلفای کرونباخ و باز آزمایی پس از گذشت ۳ هفته به کار گرفته شد که پایایی به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۵ به دست آمد.

(۲) جهت گیری تحصیلی: برای بدست آوردن نمرات جهت گیری تحصیلی دانش آموزان بر اساس یک امتحان از تمامی کتابهای پایه ششم محاسبه گردید.

## جلسات روش تدریس خلاق

جلسه اول: آشنایی فراد و برقراری ارتباط صمیمانه و وسایل و ابزار آزمایش قبل از تدریس فراهم و سازماندهی شد.  
جلسه دوم: قبل از آزمایش، برای اطمینان و گرفتن نتیجه مطلوب، آزمایش به صورت تمرینی انجام شد.  
جلسه سوم: هنگام آزمایش، وسایل موردنیاز روی جعبه آزمایش قرار داده شد.  
جلسه چهارم: برای جلوگیری از انحراف توجه شاگردان، وسایل اضافی، در داخل جعبه آزمایش گذاشته شد.  
جلسه پنجم: قبل از آزمایش به وسیله پرسش، توجه شاگردان به جریان آزمایش جلب گردید.  
جلسه ششم: آزمایش به گونه ای انجام شود که همه شاگردان براحتی بتوانند آن را ببینند.  
جلسه هفتم: در ضن آزمایش، از سایر روشها، مثلاً روش سخنرانی نیز استفاده گردید سپس جمع بندی مطالب گفته شده و همچنین گرفتن پس آزمون از دانش آموزان نیز انجام گرفت.

<sup>۵</sup> Hermans achievement motivation inventory

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمره باورهای انگیزشی و جهت گیری تحصیلی دانش آموزان گروه های آزمایش و گواه در مراحل پیش آزمون و پس آزمون

متغیر	مرحله	شاخص آماری	میانگین	انحراف معیار	تعداد
		گروه			
	پیش آزمون	آزمایش	۵۳/۴۱	۱۳/۲۲	۲۰
		گواه	۵۵/۲۰	۱۲/۷۲	۲۰
باورهای انگیزشی	پس آزمون	آزمایش	۵۸/۷۴	۱۴/۶۴	۲۰
		گواه	۵۲/۶۳	۱۲/۵۳	۲۰
جهت گیری تحصیلی	پیش آزمون	آزمایش	۱۵/۵۳	۵/۱۹	۲۰
		گواه	۱۵/۸۰	۴/۲۱	۲۰
	پس آزمون	آزمایش	۱۸/۰	۶/۵۷	۲۰
		گواه	۱۴/۲۶	۳/۶۹	۲۰

در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمرات باورهای انگیزشی و جهت گیری تحصیلی دانش آموزان گروه های آزمایش و گواه در مراحل پیش آزمون و پس آزمون را نشان می دهد.

جدول ۲ نتایج تحلیل کواریانس چند متغیری (مانکوا) بر روی میانگین نمرات پس آزمون باورهای انگیزشی و جهت گیری تحصیلی دانش آموزان گروه های آزمایش و گواه با کنترل پیش آزمون

نام آزمون	مقدار	فرضیه DF	خطا DF	F	سطح معنی داری (p)	مجذور اتا	توان آماری
آزمون اثر پیلایی	۰/۶۹۴	۲	۳۷	۱۹/۶۲۱	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹	۱/۰۰
آزمون لامبدای ویلکز	۰/۳۰۶	۲	۳۷	۱۹/۶۲۱	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹	۱/۰۰
آزمون اثر هتلینگ	۲/۲۶۴	۲	۳۷	۱۹/۶۲۱	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹	۱/۰۰
آزمون بزرگترین ریشه روی	۲/۲۶۴	۲	۳۷	۱۹/۶۲۱	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹	۱/۰۰

همان طوری که در جدول ۲ مشاهده می شود با کنترل پیش آزمون سطوح معنی داری همه آزمون ها، بیانگر آن هستند که بین دانش آموزان گروه های آزمایش و گواه حداقل از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته (باورهای انگیزشی و جهت گیری تحصیلی) تفاوت معنی داری مشاهده می شود ( $p < ۰/۰۰۰۱$  و  $F=۱۹/۶۲۱$ ). برای پی بردن به این نکته که از لحاظ کدام متغیر بین دو گروه تفاوت وجود دارد، دو تحلیل کواریانس یک راه در متن مانکوا انجام گرفت که نتایج حاصل در جدول ۳ ارائه شده است. میزان تأثیر یا تفاوت برابر با ۰/۶۹ می باشد، به عبارت دیگر، ۶۹ درصد تفاوت های فردی در نمرات پس آزمون دانش آموزان مربوط به تأثیر آموزش تدریس خلاق می باشد. توان آماری برابر با ۱/۰۰ است، به عبارت دیگر،

امکان خطای نوع دوم وجود نداشته است.

**جدول ۳ نتایج تحلیل کواریانس یک راهه در متن مانکوا بر روی میانگین نمرات پس آزمون باورهای انگیزشی و جهت گیری تحصیلی دانش آموزان گروه های آزمایش و گواه با کنترل پیش آزمون**

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری p	مجذور اتا	توان آماری
انگیزشی باورهای	پیش آزمون	۱	۱۵۹۸/۳۴۶	۲۰/۶۳۱	۰/۰۰۰۱	۰/۴۳	۰/۹۹۷
	گروه	۱	۱۸۲۶/۳۱۴	۲۳/۵۷۳	۰/۰۰۰۱	۰/۴۶	۱/۰۰
	خطا	۳۷	۷۷/۴۷۴				
جهت گیری	پیش آزمون	۱	۳۴/۴۱۸	۲۱/۲۱۹	۰/۰۰۰۱	۰/۴۳	۱/۰۰
	گروه	۱	۷۱۹/۰۷۸	۲۵/۴۶۲	۰/۰۰۰۱	۰/۴۸	۰/۹۹۸
	خطا	۳۷	۷۶۲/۵۱۵	۲۸/۲۴۱			

همان طوری که در جدول ۳ نشان داده شده است با کنترل پیش آزمون بین دانش آموزان گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ باورهای انگیزشی تفاوت معنی داری وجود دارد ( $p < ۰/۰۰۰۱$  و  $F = ۲۳/۵۷$ ). به عبارت دیگر، آموزش تدریس خلاق با توجه به میانگین باورهای انگیزشی دانش آموزان گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه گواه، موجب افزایش باورهای انگیزشی دانش آموزان گروه آزمایش شده است. میزان تأثیر یا تفاوت برابر با ۰/۴۶ می باشد، به عبارت دیگر، ۴۶ درصد تفاوت های فردی در نمرات پس آزمون باورهای انگیزشی مربوط به تأثیر آموزش تدریس خلاق می باشد. توان آماری برابر با ۱/۰۰ است، به عبارت دیگر، امکان خطای نوع دوم وجود نداشته است. با کنترل پیش آزمون بین دانش آموزان گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ جهت گیری تحصیلی تفاوت معنی داری وجود دارد ( $p < ۰/۰۰۰۱$  و  $F = ۲۵/۴۶$ ). به عبارت دیگر، آموزش تدریس خلاق با توجه به میانگین جهت گیری تحصیلی دانش آموزان گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه گواه، موجب افزایش جهت گیری تحصیلی دانش آموزان گروه آزمایش شده است. میزان تأثیر یا تفاوت برابر با ۰/۴۸ می باشد، به عبارت دیگر، ۴۸ درصد تفاوت های فردی در نمرات پس آزمون جهت گیری تحصیلی مربوط به تأثیر آموزش تدریس خلاق می باشد. توان آماری برابر با ۰/۹۹۸ است، به عبارت دیگر، اگر این تحقیق ۱۰۰۰ مرتبه تکرار شود فقط ۲ مرتبه ممکن است فرضیه صفر اشتباهاً تأیید شود.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد با کنترل پیش آزمون بین دانش آموزان گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ باورهای انگیزشی تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، آموزش تدریس خلاق با توجه به میانگین خلاقیت دانش آموزان گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه گواه، موجب افزایش خلاقیت دانش آموزان گروه آزمایش شده است. میزان تأثیر یا تفاوت برابر با ۰/۴۶ می باشد، به عبارت دیگر، ۴۶ درصد تفاوت های فردی در نمرات پس آزمون خلاقیت مربوط به تأثیر آموزش تدریس خلاق می باشد. این یافته با یافته های پژوهش های کریمی و همکاران (۱۳۹۳)، دستجانی فراهانی (۱۳۹۲)، فرخی (۱۳۹۲)، هژیر، احدی، پورشهbaz و رضایی (۱۳۹۰)، وودز (۲۰۱۲)، اسدی، شیلاری پور، شکوری و محمدخانی (۲۰۱۲)، بریدگ (۲۰۱۰) همسو می باشد؛ در تبیین این نتیجه می توان گفت که یکی از ویژگی هایی که در جامعه ی ما معمولاً به آن توجه می شود، باورهای انگیزشی است که تاثیر بسزایی در موفقیت افراد دارد که باعث تلاش فرد و رسیدن به اهداف مثبت در زندگی می شود. بنابراین کسی که از این ویژگی برخوردار است بدون توجه به ویژگی های زمانی و مکانی تلاش خود را در همه ی زمینه ها

توسعه می دهد. زندگی تحصیلی، یکی از مهمترین ابعاد زندگی اشخاص است که بر سایر ابعاد زندگی تاثیر فراوان دارد. در این بین یکی از مسایل و مشکلات اساسی زندگی تحصیلی افراد و نظام آموزشی هر کشور، مساله ی افت تحصیلی و پایین بودن سطح عملکرد تحصیلی دانش آموزان آن کشور است. این پدیده، علاوه بر زیانهای هنگفت اقتصادی، سلامت روانی فراگیرندگان را مخدوش می نماید. برخی از دانش آموزان به سرعت پاسخ دهی در انجام تکالیف اهمیت می دهند. و دسته دیگر به صحت و دقت پاسخ اهمیت می دهند و چندان توجهی به سرعت در پاسخ دهی ندارند. بنابراین بیشتر اوقات در حال مطالعه هستند، تعدادی از دانش آموزان تند، سریع و بدون معطلی و بدون صرف وقت زیاد یک مساله را حل می کنند چون که آنان با اولین جوابی که به ذهنشان می رسد پاسخ می دهند. بنابراین بیشتر مرتکب خطا و اشتباه می شوند در مقابل برخی از دانش آموزان تکالیف را به آرامی و دقت ارزیابی می کنند و به جزئیات کارها نیز توجه می نمایند و با تاخیر و وقت زیاد به مسائل جواب می دهند و کمتر مرتکب خطا و اشتباه می شوند. ادراک و به خاطر سپاری دانش آموزان در مورد مطالبی که قصد یادگیری آنان را دارند متفاوت می باشد، برخی از آنان در مقابل نقطه نظرات جدید و متفاوت از خود انعطاف پذیری نشان می دهند و در مقابل برخی از خود مقاومت نشان می دهند و در برابر راهکارهای جدید از خودشان انعطاف پذیری نشان می دهند. عده دیگر از دانش آموزان فقط به حفظ مطالب علمی می پردازند و عده دیگر توانایی برگرداندن نوشته های علمی را به زبان خود و جملات دیگری از خود نشان می دهند، تعدادی از آنان توان یادگیری و درک مقدار زیادی از اطلاعات و ترکیب آنها را دارند و در مقابل تعدادی فاقد این توانایی می باشند. هرگاه دانش آموزان، خود به خلاقیت و نوآوری به عنوان فعالیت های ضروری و حیاتی باور نداشته باشند، هیچ فعالیتی در این زمینه دوام نخواهد یافت. ایجاد هسته های پژوهشی و نوآوری در مدارس می تواند کار خلاقیت و نوآوری را تسهیل و تسریع کند. ایجاد باورهای مشترک برای نوآوری و اینکه به عنوان یک هنجار مشترک در مدارس به خلاقیت نگریسته شود نیاز به آموزش دارد. تافلر مهمترین فعالیت و راه رویارویی با تحولات عظیم و زندگی آینده را برای پذیرش تغییر، آموزش می داند. آموزش موثر و پرمایه به افراد کمک می کند تا آنها بتوانند به رشد و توانایی کافی در شغل خود دست یابند و با کارآیی بیشتری کار کنند. مدیران و معلمان باید بدانند که یکی از هدف های مهم در آموزش در محیط پرتلاطم و متغیر کنونی، آموختن شیوه های خلاقیت و نوآوری است. بدین منظور می توان از طریق آموزش، دانش آموزان را به تفکر عادت داد و در نتیجه این تفکر به صورت یک فرهنگ در لایه های مختلف مدارس رسوخ کرده و در اجرای استراتژی های مدارس تاثیر کلی و دائمی می گذارد. همچنین مدارس امروز به دلیل پیشرفت های مختلف علوم و تغییرات همزمان در هدف های آموزشی سعی خود را بیشتر به انتقال اطلاعات و حقایق علمی معطوف کرده اند؛ در حالی که با ورود به دوران فراصنعتی و عصر اطلاعات به دلیل ویژگی هایی مانند انفجار دانش، تحول و تغییر سریع یافته های علمی، حضور ماشین های هوشمند در عرصه تعلیم و تربیت و از همه مهم تر عدم قطعیت معرفت علمی، نه امکان انتقال همه یافته های علمی وجود دارد و نه ضرورتی در این زمینه احساس می شود. به همین دلیل، متخصصان تعلیم و تربیت و برنامه ریزان درسی به جای انتقال حقایق علمی، پرورش و تقویت روش ها و نگرش های علمی را توصیه می کنند و به جای تولید مجدد حقایق علمی، بر فرایند تأکید می کنند. آن ها معتقدند که دانش آموزان به جای کسب حقایق علمی، باید به روش کسب حقایق علمی توجه کنند و به جای انباشت حقایق علمی در ذهن، بیاموزند که چگونه به تنهایی فکر کنند، تصمیم بگیرند، و درباره امور مختلف قضاوت کنند. دانش آموزان در فرایند آموزش باید بتوانند ادراک حسی، فهم نظریات مختلف و تفکر علمی و نقاد خود را تقویت کنند و رشد دهند. رسیدن به چنین اهدافی مستلزم فرصت های مطلوب یادگیری است. چنین فرصت و موقعیتی با دستور دادن، موعظه کردن، القا و ترغیب به تقلید و اطاعت از دیگری به وجود نخواهد آمد؛ زیرا محدود ساختن تعلیم و تربیت به انتقال و



حفظ حقایق علمی، رشد طبیعی دانش آموزان را محدود خواهد ساخت. نتایج نشان داد با کنترل پیش آزمون بین دانش آموزان گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ جهت گیری تحصیلی تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، آموزش تدریس خلاق با توجه به میانگین جهت گیری تحصیلی دانش آموزان گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه گواه، موجب افزایش جهت گیری تحصیلی دانش آموزان گروه آزمایش شده است. میزان تأثیر یا تفاوت برابر با ۰/۴۸ می باشد، به عبارت دیگر، ۴۸ درصد تفاوت های فردی در نمرات پس آزمون جهت گیری تحصیلی مربوط به تأثیر آموزش تدریس خلاق می باشد. این یافته با یافته های پژوهش های کریمی و همکاران (۱۳۹۳)، دستجانی فراهانی (۱۳۹۲)، فرخی (۱۳۹۲)، هژیر، احدی، پورشهباز و رضایی (۱۳۹۰)، وودز (۲۰۱۲)، اسدی، شیلاری پور، شکوری و محمدخانی (۲۰۱۲)، بریدگ (۲۰۱۰) همسو می باشد. در تبیین این نتیجه میتوان گفت که ترقی هر کشوری رابطه مستقیم با پیشرفت علوم و دانش و تکنولوژی آن کشور دارد و پیشرفت علمی نیز حاصل نمی شود مگر اینکه افراد خلاق تربیت شده باشند، عملکرد تحصیلی ضمن اینکه در توسعه و آبادانی کشور موثر است در سطوح عالی منجر به یافتن شغل و موقعیت مناسب و در نتیجه درآمد کافی می شود. دانش آموزان که از موقعیتهای تحصیلی برخوردارند، خانواده و جامعه با دیده ی احترام به آنان می نگرند. در جامعه با روحیه و نشاط بیشتری حضور خواهند یافت و در کنار اینها از هزینه های گزافی که از افت تحصیلی برآموزش و پرورش تحمیل می شود، کاسته خواهند شد. دستیابی به بهره وری و بهبود کیفیت نظام آموزشی را می توان اثر گذار ترین عامل در توسعه کشور ها دانست. تجارب کشورهای پیشرفته ای چون ژاپن در زمینه توسعه همه جانبه نیز حکایت از سرمایه گذاری بر روی منابع آموزشی و انسانی دارد. در راستای دستیابی به این اهداف بهبود کیفیت موقعیت تحصیلی از جمله اهداف اساسی برنامه های آموزشی است. در حالی که امروزه افت تحصیلی یکی از نگرانی های خانواده ها و دست اندرکاران تعلیم و تربیت است. از جمله موضوعات مورد علاقه صاحب نظران علوم تربیتی یافتن شرایط و امکانات لازم و موثر در جهت تحصیلی موفق و عملکرد تحصیلی است. اما عدم موفقیت در تحصیل زمینه ساز مشکلات فردی و اجتماعی و انحراف از دستیابی به اهداف سیستم آموزش است. محققین عوامل مختلفی را در جهت گیری تحصیلی دانش آموزان دخیل دانسته اند. اما با توجه به تفاوت های فرهنگی و تغییرات سریع عوامل در طول زمان نمی توان به عنوان یک قانون عمومی و کلی، علل خاصی را برای جوامع مطرح نمود (سیف، ۱۳۸۴). زیرا قوانین بافت فرهنگی و نسبت جامعه، نگرش مردم به تحصیلات، سطح درآمد والدین و غیره، همه از عواملی هستند که به طور اخص در یک جامعه بر شکست یا موفقیت تحصیلی تأثیر می گذارند. منابع موجود نشان می دهد که آموزش به طور کلی تحت تأثیر پنج عامل فراگیر آموزش گر، برنامه، تجهیزات و محیط آموزشی است که هر یک از عوامل مذکور دارای ویژگی هایی است که می توانند در انگیزه پیشرفت و یادگیری تأثیرات متفاوتی داشته باشند. همچنین جهت گیری تحصیلی، یکی از مهمترین ابعاد زندگی اشخاص است که بر سایر ابعاد زندگی تأثیر فراوان دارد. در این بین یکی از مسایل و مشکلات اساسی زندگی تحصیلی افراد و نظام آموزشی هر کشور، مساله ی افت تحصیلی و پایین بودن سطح جهت گیری تحصیلی دانش آموزان آن کشور است. این پدیده، علاوه بر زیانهای هنگفت اقتصادی، سلامت روانی فراگیرندگان را مخدوش می نماید. برخی از دانش آموزان به سرعت پاسخ دهی در انجام تکالیف اهمیت می دهند و دسته دیگر به صحت و دقت پاسخ اهمیت می دهند و چندان توجهی به سرعت در پاسخ دهی ندارند. بنابراین بیشتر اوقات در حال مطالعه هستند، تعدادی از دانش آموزان تند، سریع و بدون معطلی و بدون صرف وقت زیاد یک مساله را حل می کنند چون که آنان با اولین جوابی که به ذهنشان می رسد پاسخ می دهند. بنابراین بیشتر مرتکب خطا و اشتباه می شوند در مقابل برخی از دانش آموزان تکالیف را به آرامی و دقت ارزیابی می کنند و به جزئیات کارها نیز توجه می نمایند و با تاخیر و وقت زیاد به مسائل جواب می

هند و کمتر مرتکب خطا و اشتباه می شوند. ادراک و به خاطر سپاری دانش آموزان در مورد مطالبی که قصد یادگیری آنان را دارند متفاوت می باشد، برخی از آنان در مقابل نقطه نظرات جدید و متفاوت از خود انعطاف پذیری نشان می دهند و در مقابل برخی از خود مقاومت نشان می دهند و در برابر راهکارهای جدید از خودشان انعطاف پذیری نشان می دهند. عده دیگر از دانش آموزان فقط به حفظ مطالب علمی می پردازند و عده دیگر توانایی برگرداندن نوشته های علمی را به زبان خود و جملات دیگری از خود نشان می دهند، تعدادی از آنان توان یادگیری و درک مقدار زیادی از اطلاعات و ترکیب آنها را دارند و در مقابل تعدادی فاقد این توانایی می باشند. از طرفی خلاقیت با ساختن و یافتن فکرهای جدید و نوآوری در کاربرد فکرها سر و کار دارد. روان شناسان و متخصصان آموزش و پرورش به این نکته توجه دارند که موضوع خلاقیت، موضوعی پر اهمیت و زیربنایی است. تمام خلاقیت ها و نوآوری های امروز متأثر از آموزش و پرورش و نیروی پنهان آن است. آنچه امروز دیده می شود حاصل کار دست اندرکاران دیروز است و تولید فردا نتیجه خلاقیت امروز خواهد بود. در جوامع امروزی داشتن افرادی خلاق و نوآور امری حیاتی است. زندگی پیچیده ی امروزی ما هر لحظه در حال نو شدن است و خلاقیت و نوآوری، ضرورت استمرار زندگی فعال است. برای خلق نشاط و پویایی نیازمند ابتکار است، خلاقیت، فعالیتی فکری و در عین حال مبتنی بر اطلاعات است. اگر تفکر را عامل یا جریان اصلی خلاقیت بدانیم، اطلاعات نیز ماده اولیه یا اساسی آن محسوب می شود. نکته حائز اهمیت آن است که اندیشه های حاصل از خلاقیت (پردازش متفکرانه) باید به گونه ای پرورش یابد که در ارتباط با شرایط دنیای واقعی به نوآوری در آموزش و پرورش بیانجامد. از آنجا که موجودیت مدارس برای تامین هدفهاست، پس باید این هدف ها را تعیین کرد و راهها یا وسایل تأمین آنها را مشخص ساخت.

## منابع

- پورشفاعی، مهرناز (۱۳۸۹). روش های تربیتی پویا و خلاق، *فصل نامه تعلیم و تربیت*، دوره سوم، شماره ۴.
- تمنایی فر، محمدرضا؛ گندمی، زینب (۱۳۹۰). رابطه ی انگیزه پیشرفت با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان، *فصلنامه ی راهبردهای آموزش*، شماره ۴، صص ۱۵-۱۹
- توحیدی، محسن (۱۳۹۳). مطالعه سبک های اسنادی، اضطراب و انگیزه پیشرفت با پیشرفت تحصیلی در میان دانش آموزان پسر سال اول دبیرستان دولتی شهر تهران. *پایان نامه کارشناسی ارشد*، روانشناسی تربیتی، دانشگاه تربیت معلم.
- رحیمی، مریم، عباس پور، عباس (۱۳۹۴). تأثیر شیوه های جدید آموزش بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانشجویان، *مجله ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، دوره ۴، شماره ۴، صفحه ۱۱۹-۱۴۲
- حسینی، سید داود، مهری، لطف اله (۱۳۹۳). بررسی اثر بخشی تکنیک های خلاقیت بر پیشرفت تحصیلی درس مطالعات اجتماعی در دانش آموزان دختر سال اول متوسطه ناحیه دو تبریز، *مجله آموزش و ارزشیابی*، دوره ۷، شماره ۲۷، صفحه ۷-۱۵۴
- خدیدی، اسداله، بنایی، ویدا (۱۳۹۳). بررسی تأثیر آموزش به روش بدیعه پردازی بر تفکر خلاق دانش آموزان چهارم ابتدایی در درس علوم تجربی شهرستان سلماس، *مجله آموزش و ارزشیابی*، دوره ۷، شماره ۲۷، صفحه ۷۱-۸۵
- حسینی، فضل السادات (۱۳۹۲). بررسی تأثیر برنامه آموزش خلاقیت معلمان بر خلاقیت جهت گیری تحصیلی و خودپنداره دانش آموزان، *نوآوری های آموزشی*، دوره ۶، شماره ۲۳، صفحه ۱۴۷ تا صفحه ۱۶۸
- درزی رامندی، هادی، عصاره، علیرضا، جراره، جمشید (۱۳۹۵). تأثیر تدریس به روش بدیعه پردازی بر افزایش خلاقیت و جهت گیری تحصیلی درس تعلیمات اجتماعی، *پژوهش در برنامه ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی-برنامه ریزی درسی)*، دوره یازدهم، شماره ۱۵، صفحه ۶۸-۷۹.

بهجتی، فاطمه و سودابه پاشاهی اردکانی (۱۳۹۴). بررسی تأثیر روش تدریس بارش مغزی بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهرستان اردکان سال تحصیلی ۹۲-۹۳، *کنفرانس ملی رویکردهای نوین در مدیریت کسب و کار*، تبریز، دانشگاه تبریز و سازمان مدیریت صنعتی،  
صمدآقایی، جلیل (۱۳۹۰). *تکنیک های خلاقیت فردی و گروهی*، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز، آموزش مدیریت دولتی.  
کدیور، پروین (۱۳۹۰). *روانشناسی تربیتی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.  
کدیور، پروین (۱۳۸۵). *روانشناسی پرورشی*، تهران: انتشارات پیام نور.  
محمد پور، حسین . (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین انگیزه پیشرفت و سلامت روان با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سوم متوسطه شهرستان لامرد. *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد واحد مرودشت.  
فیشانی، جعفر (۱۳۸۸). *آموزش خلاقیت و حل خلاق مسائل*، تهران: انتشارات ویرایش  
قاسم زاده، حسن (۱۳۹۲). *آموزش کاربردی خلاقیت و حل خلاق مسائل*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات قصیده سرا.

Atlaplto, K. Lahti, G. (۲۰۱۱). In strutional effects on critical thinking performance on ill-defined issues .Depertment of ducation, *university of Cyprus*, ۱۲-۱۱dramas street, Nicosia cy-۷۸-۱۶, Cyprus

Akane R, G. (۲۰۱۳)..Motives, goals, and adaplive paterrens of performance in Asian American and Anglo American students Lerarning and Individual Differenes, *Jornal of Arts and Hamanities in tliher education* , ۱۵(۲), pager . ۱۵۸-۱۴۱

Coetzee, L.J, Clarke , L., Ukgerer . J .A. (۲۰۱۱) . children,s drawing provid a new prespective on teacher – child relation quality and school adjustment . Australia Macguarie university . *Early childhood Research Quarterly* . ۵۵-۷۱ .

Pascarella, D. Terenzini G. (۲۰۱۶). Role problems and the relationship of achievement motivation to scholastic performance *Journal of Educational psychology*. Pages . ۹۵۹-۹۵۰

Parado, SH; (۲۰۱۵). Effects of a teacher traning works shop or creativity, cognitional school achivement, *high ability studies* V۱۳ N ۱.

Ulrike, E. N., Goetz. T., Hall, N. C .frenzel, A. C. (۲۰۱۳) Metacognitive strategies and rest performance: An experience sampling analysis of students 'Learning behavior *Education Research International*, Article ID ۹۵۸۳۱۹, ۱۶pages.

Yang S, Cheng R.(۲۰۱۵).Per Fectionism in adolescent school students: Relations with motivation ,achievement, and well-being personality and Individual Differences *Journal of Educational psychology*, ۴۲(۷), pager . ۱۳۸۹-۱۳۷۹

Tiwana, G.McLean E.(۲۰۱۴). Academic freedom critical thinking and theaching ethics . *Jornal of Arts and Hamanities in tliher education*, ۵, . ۲۰۸-۱۹۹